

سهم دانشمندان ایرانی در تألیف نسخ خطی عربی طب اسلامی

نجلا حریری الف*، فاطمه وفایی ب

الف دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
ب کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

سابقه و هدف: هر چند که خدمات علمی برجسته ایرانیان در دوران پس از اسلام بر کسی پوشیده نیست، اما به دلیل این که نگارش متون علمی در آن دوران به زبان عربی بوده است، تفکیک سهم ایرانیان و اعراب در رشد و توسعه طب سنتی اسلامی بدون انجام پژوهش‌های دقیق ممکن نخواهد بود. از همین رو پژوهش حاضر به بررسی سهم دانشمندان ایرانی در تألیف نسخ خطی عربی در طب اسلامی می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: تحقیق به روش مطالعه کتابخانه‌ای و توصیفی انجام گرفت و جامعه آماری پژوهش شامل ۴۰۰۰ عنوان نسخه خطی عربی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است. با استفاده از فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (مجلدات ۷-۱۹) سیاهه واری از نسخه‌های خطی تالیفی در طب اسلامی به زبان عربی به تفکیک (عنوان، مؤلف، زمان تألیف، موضوع، کاتب و زمان کتابت) تهیه شد. برای اثبات ایرانی بودن مؤلفین و دانشمندان به منابع و کتب رجال شناسی رجوع شده و از مؤلفین و دانشمندان شرح حال تهیه گردید. سپس اطلاعات بدست آمده توسط نرم افزارهای اکسل و اس پی اس اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از میان ۴۰۰۰ عنوان نسخه بررسی شده فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه ملی ایران، تعداد ۱۸۶ عنوان (۴/۷ درصد) در موضوع های طب اسلامی بوده است و از این تعداد، ۱۰۹ منبع برابر ۵۸/۶ درصد توسط مولفان ایرانی نگارش شده و در مقابل ۵۰ منبع برابر با ۲۶/۹ درصد توسط مولفان غیر ایرانی به رشته تحریر درآمده است. در مورد ۱۴/۵ از نسخ مورد بررسی، ملیت مؤلف نامشخص بوده است. بیشترین درصد (۳۷/۶) نسخ خطی عربی طب اسلامی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران که توسط دانشمندان ایرانی تألیف شده، تا قرون ششم تألیف شده است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که دانشمندان ایرانی در ایجاد نسخ خطی و پیشبرد علم در طب اسلامی در دوره تمدن اسلامی نقش شاخص و برجسته‌ای داشته‌اند. چنین پژوهش‌هایی می‌توانند زمینه‌های تقویت خودباوری در جامعه پزشکی کشور را فراهم آورند و پیشینه علمی پرافتخار اسلامی- ایرانی را به عنوان شالوده محکمی برای آینده درخشان دانش پزشکی در کشور مطرح نمایند.

کلید واژه‌ها: دانشمندان ایرانی، نسخه‌های خطی عربی، طب اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

تاریخ دریافت: فروردین ۹۴

تاریخ پذیرش: آذر ۹۴

مقدمه:

سر می‌برد، دانشمندان مسلمان، پرچمدار علوم و فنون بودند و کاروان علمی را به جلو سوق می‌دادند (۲). اگر تمدن را به معنی مجموعه معارف و آثار آن در زندگی مادی بشر تعبیر کنیم و آن را پیش برنده زندگی مادی و معنوی بدانیم دانشمندان ایرانی بلکه فرد فرد ایرانیان اعم از دانشمند و غیر دانشمند در تمدن اسلامی سهم بسزائی دارند، بلکه می‌توان گفت اساس تمدن اسلامی را در میان ایرانیان باید جستجو کرد (۳).

بدون شک میراث مکتوب ما که به زبان عربی نوشته شده میراثی اسلامی جهانی است، به این معنا که دانشمندان اسلامی در طول اعصار، این میراث عظیم را بوجود آورده‌اند و در جهت تکوین آن در عصری که زبان عربی زبان فرهنگ و ادب و فکر بوده گام برداشته‌اند (۱). خدمات مسلمانان و در درجه‌ی اول ایرانیان در علوم گوناگون مانند منطق، فلسفه، ریاضیات و علوم طبیعی، مخصوصاً علم پزشکی، بر کسی پوشیده نیست. زمانی که غرب در هاله‌ای از جهل و تاریکی به

هر چند که خدمات علمی برجسته ایرانیان در دوران پس از اسلام بر کسی پوشیده نیست، اما چنان که اشاره شد، به دلیل این که نگارش متون علمی در آن دوران به زبان عربی بوده است، تفکیک سهم ایرانیان و اعراب در رشد و توسعه طب سنتی اسلامی بدون انجام پژوهش های دقیق ممکن نخواهد بود. سؤال این است که چه تعداد از نسخه های خطی طب اسلامی تألیف دانشمندان ایرانی است؟ و نقش دانشمندان ایرانی در زمینه تولید و گسترش علم طب در نسخه های خطی چیست؟ در این پژوهش منظور از ایران، "فلات ایران است که شامل قسمتی از ترکستان و افغانستان و قفقاز و قسمتی از ترکیه و عراق امروزی است که در واقع در آغاز تمدن و پیشرفت آن بیش از هر نقطه ای دیگر از جهان دخیل بوده است" (۹). این پژوهش با بررسی چهار هزار نسخه خطی عربی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سهم دانشمندان ایرانی را در طب اسلامی، از طریق بررسی تعداد و میزان تألیفات ایشان مشخص نماید.

مواد و روش ها:

پژوهش به روش مطالعه کتابخانه ای و توصیفی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش یازده مجلد فهرست نسخه های خطی عربی کتابخانه ملی (۱۰) است که شامل جلد های ۷ الی ۱۹ است و هر جلد دارای ۳۰۰ مدخل است که در مجموع ۴۰۰۰ نسخه خطی عربی را شامل می شود. منظور از دانشمندان ایرانی در این پژوهش، دانشمندانی است که (۱) محل تولد آنها ایران بوده است، یا (۲) محل وفات آنها در ایران بوده است، و یا (۳) دانشمندانی که در ایران زندگی کرده اند و در این کشور رشد علمی یافته اند.

پژوهش در ۳ مرحله به شرح زیر اجرا گردید:

ابتداء فهرست نسخه های خطی عربی طب تهیه گردیده، و سپس در نرم افزار اکسل چک لیستی شامل عنوان، مولف، تاریخ تألیف، موضوع کتابت، کاتب، تاریخ و زمان کتابت منابع مورد بررسی تهیه شد. روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان، خبرگان نسخه خطی، نسخه شناسان و اعضای هیات علمی کتابخانه ملی به تایید رسید؛

طب اسلامی یکی از مشهورترین و شناخته ترین جنبه های تمدن اسلامی، و یکی از شاخه های علم است که مسلمانان در آن درخشندگی فراوان پیدا کرده اند. این مکتب پزشکی، که بعد از تاریخ اسلام به وجود آمد، نه تنها از لحاظ ارزش ذاتی خود اهمیت دارد، بلکه از آن جهت نیز حائز اهمیت است که پیوسته ارتباط نزدیکی با سایر علوم و بالخاصه فلسفه داشته است (۴). هر چند دانش و نظریات علمی مرتبط با طب اسلامی عموماً به زبان عربی نگاشته شده اند، با این حال بسیاری از پزشکان در دنیای اسلام از جمله برجسته ترین آنان مانند رازی (متولد قرن سوم هجری/نهم میلادی)، اهواری (قرن چهارم هجری/دهم م) و ابن سینا (متولد سده چهارم هجری/نهم میلادی) ایرانی بوده اند (۵). تاریخ پزشکی در ایران به اندازه تمدن این کشور قدمت دارد و تا دوران پیش از اسلام قابل ردیابی است (۶) و بیمارستان جندی شاپور به اعتقاد برخی مورخان اولین بیمارستان آموزشی در تاریخ پزشکی است (۷). می توان گفت که یکی از فصول درخشان تاریخ فکری و عقلانی اسلام، وارد ساختن، جذب و تحلیل اندیشه دنیای قدیم در فرهنگ اسلامی بوده است. طب اسلامی در واقع آمیزه ای است از سنت های پزشکی یونانی بقراط قرن چهارم و پنجم پیش از میلاد و جالینوس قرن دوم میلادی همراه با نظریه ها و جنبه های علمی پزشکی ایرانی ها و هندیان که در متن کلی اسلام بالنده شده است (۵).

مسلمین مخصوصاً ایرانیها توانستند کتبی پر مایه به جهان پزشکی تقدیم دارند (۸). با توجه به نقش فعال دانشمندان ایرانی در طب اسلامی، لازم است با بررسی نسخ خطی موجود در کتابخانه ملی ایران، سهم دانشمندان ایرانی در گسترش طب اسلامی مشخص گردد. در دوره اسلامی گرچه ایرانیان بزرگترین خدمت ها را به عالم بشریت نموده اند، قسمت عمده ی سهم آنان در علم و دانش متاسفانه به حساب اعراب گذاشته شده و این بیشتر به دلیل این است که ایرانیان بعد از اسلام بیشتر کتب علمی و فلسفی خود را به زبان عربی می نوشتند تا رواج سریعتر و بیشتری در عالم اسلام به دست آورد (۹).

جدول ۱ حاکی از آن است که از مجموع ۱۸۶ نسخه خطی مورد بررسی، ۱۰۹ منبع برابر ۵۸/۶ درصد توسط مولفان ایرانی نگارش شده و در مقابل ۵۰ منبع برابر با ۲۶/۹ درصد توسط مولفان غیرایرانی به رشته تحریر درآمده است. ضمن این که وضعیت ملیت ۲۷ منبع برابر با ۱۴/۵ درصد نامشخص بوده است. پرسش دوم: نسخ خطی عربی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی در چه موضوع‌هایی از طب اسلامی بیشتر بوده است؟

جدول ۲. توزیع فراوانی نسخ خطی عربی طب اسلامی برحسب موضوع

| موضوع | فراوانی | درصد |
|---------------------------|---------|------|
| پزشکی | ۱۵۴ | ۸۲/۸ |
| پزشکی سنتی، یونانی و رومی | ۱۱ | ۵/۹ |
| روان پزشکی | ۱ | ۰/۵ |
| دندانپزشکی | ۱ | ۰/۵ |
| داروسازی و گیاهان دارویی | ۱۷ | ۹/۱ |
| بهداشت | ۱ | ۰/۵ |
| مکتوبات پزشکی | ۱ | ۰/۵ |
| جمع | ۱۸۶ | ۱۰۰ |

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود از مجموع ۱۸۶ منبع مطالعه شده؛ ۱۵۴ مورد برابر با ۸۲/۸ درصد در موضوع پزشکی نگارش شده است و پس از آن موضوع دارو سازی و گیاهان دارویی با ۹/۱ درصد قرار دارد.

جدول ۳. توزیع فراوانی نسخ خطی عربی طب اسلامی تألیف دانشمندان ایرانی برحسب موضوع

| موضوع نسخ خطی تألیف دانشمندان ایرانی | فراوانی | درصد |
|--|---------|------|
| پزشکی | ۹۳ | ۸۵/۳ |
| پزشکی سنتی، یونانی و رومی | ۸ | ۷/۳ |
| داروسازی و داروهای سنتی | ۵ | ۴/۶ |
| سایر موضوع‌های پزشکی (بهداشت، روانپزشکی و مکتوبات پزشکی) | ۳ | ۲/۸ |
| جمع | ۱۰۹ | ٪۱۰۰ |

موضوع‌های مورد بحث از طریق سرعنوانهای موضوعی پزشکی دوره اسلامی، سرعنوانهای موضوعی کتابخانه ملی ایران و برنامه نرم افزار رسا و منابع مرجع که در بخش مرجع نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران موجود بود مانند فهرست نسخه‌های خطی آقا بزرگ تهرانی (الذریعه) و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی و غیره و همچنین با فهرست‌آوری مشترک نسخه‌های خطی پزشکی و علوم وابسته در کتابخانه‌های ایران از نظر صحت، بررسی و مورد تأیید قرار گرفت؛

بعد از گردآوری داده‌های یادشده، برای اثبات ایرانی بودن مؤلفین و دانشمندان، ابتدا نام مؤلفین با بررسی کتاب مستند مشاهیر پزشکی دوره اسلامی و مستند مشاهیر کتابخانه ملی و سپس با مراجعه به منابع و کتب رجال شناسی از جمله پزشکان برجسته در عصر تمدن اسلامی، پزشکان نامی پارس و غیره و همچنین از طریق تهیه شرح حال مختصر از مؤلفین و دانشمندان، مستند گردید و در نرم افزار word بطور منظم و بر اساس کتبه و لقب وارد شد و بر اساس آن ایرانی یا غیر ایرانی بودن مؤلفین مشخص گردید.

پس از گردآوری اطلاعات، از نرم افزار اس پی اس برای تحلیل آماری داده‌ها استفاده شده و به سوالات پژوهش پاسخ داده شده است.

یافته‌ها:

پرسش اول: چه میزان از نسخ خطی عربی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران که در حوزه طب اسلامی هستند، متعلق به دانشمندان ایرانی است؟

جدول ۱. توزیع فراوانی نسخ خطی عربی طب اسلامی برحسب ملیت مؤلف

| ملیت مؤلف | فراوانی | درصد |
|-----------------|---------|------|
| مؤلف ایرانی | ۱۰۹ | ۵۸/۶ |
| مؤلف غیر ایرانی | ۵۰ | ۲۶/۹ |
| نامشخص | ۲۷ | ۱۴/۵ |
| جمع | ۱۸۶ | ٪۱۰۰ |

جدول ۵. توزیع فراوانی موضوع نسخ خطی عربی طب اسلامی
تألیف دانشمندان ایرانی به تفکیک قرن تألیف

| موضوع | قرن ششم و هفتم | قرن هفتم تا سیزدهم | نامشخص | جمع |
|--|----------------|--------------------|--------|-----|
| پزشکی | ۳۶ | ۲۷ | ۱۱ | ۹۳ |
| پزشکی سنتی، یونانی و رومی | ۰ | ۶ | ۱ | ۸ |
| داروسازی و داروهای سنتی و سایر موضوع‌های پزشکی | ۵ | ۱ | ۰ | ۸ |
| جمع | ۴۱ | ۳۴ | ۱۲ | ۱۰۹ |

در جدول ۵ مشاهده می‌شود که در بین تألیفات دانشمندان ایرانی، موضوع پزشکی در کلیه قرون مورد بررسی بیش از سایر موضوع‌ها بوده است.

پرسش پنجم: چه میزان از نسخ خطی عربی طب اسلامی تألیف دانشمندان ایرانی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی دارای کاتب و تاریخ کتابت است؟

جدول ۶. توزیع فراوانی نسخ خطی عربی طب اسلامی برحسب وجود کاتب به تفکیک ملیت

| وجود کاتب به تفکیک ملیت | مؤلف ایرانی | مؤلف غیر ایرانی | نامشخص | جمع |
|-------------------------|-------------|-----------------|-----------|-------------|
| کاتب دارد | ۴۲ (٪۳۸/۵) | ۱۹ (٪۳۸/۰) | ۰ (٪۰) | ۶۱ (٪۳۲/۸) |
| کاتب ندارد | ۶۷ (٪۶۱/۵) | ۳۱ (٪۶۲/۰) | ۲۷ (٪۱۰۰) | ۱۲۵ (٪۶۷/۲) |
| جمع | ۱۰۹ (٪۱۰۰) | ۵۰ (٪۱۰۰) | ۲۷ (٪۱۰۰) | ۱۸۶ (٪۱۰۰) |

همانطور که در جدول ۶ قابل مشاهده است، از مجموع ۱۰۹ منبع تألیف شده توسط دانشمندان ایرانی ۳۸/۵ درصد دارای کاتب بوده و ۶۱/۵ درصد فاقد کاتب بوده است. در منابع تألیف شده توسط مولفان غیر ایرانی ۳۸ درصد دارای کاتب و ۶۲ درصد فاقد کاتب بوده است.

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد ۸۵/۳ درصد از تألیفات دانشمندان ایرانی در طب اسلامی در موضوع پزشکی نگارش شده است. ۷/۹۳ درصد در رابطه با پزشکی سنتی، یونانی و رومی، ۴/۶ درصد در موضوع دارو سازی و داروهای سنتی و ۲/۸ درصد مربوط به سایر موضوع‌های پزشکی (روان پزشکی، بهداشت و مکتوبات) بوده است. پرسش سوم: میزان نسخ خطی عربی طب اسلامی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران که توسط دانشمندان ایرانی تألیف شده، در چه دوره‌هایی بیشتر بوده است؟

جدول ۴. توزیع فراوانی نسخ خطی عربی طب اسلامی تألیف دانشمندان ایرانی برحسب قرن تألیف به تفکیک ملیت مؤلف

| قرن تألیف | مؤلف ایرانی | مؤلف غیر ایرانی | نامشخص | جمع |
|----------------------|-------------|-----------------|------------|------------|
| قرن ششم و کمتر | ۴۱ (٪۳۷/۶) | ۸ (٪۱۶/۰) | ۰ (٪۰) | ۴۹ (٪۲۶/۳) |
| قرن هفتم تا دهم | ۳۴ (٪۳۱/۲) | ۲۲ (٪۴۴/۰) | ۱ (٪۳/۷) | ۵۷ (٪۳۰/۶) |
| قرن یازدهم تا سیزدهم | ۱۲ (٪۱۱/۰) | ۲ (٪۴/۰) | ۴ (٪۱۴/۸) | ۱۸ (٪۹/۷) |
| نامشخص | ۲۲ (٪۲۰/۲) | ۱۸ (٪۳۶/۰) | ۲۲ (٪۸۱/۵) | ۶۲ (٪۳۳/۳) |
| جمع | ۱۰۹ (٪۱۰۰) | ۵۰ (٪۱۰۰) | ۲۷ (٪۱۰۰) | ۱۸۶ (٪۱۰۰) |

جدول ۴ نشان می‌دهد که ۳۷/۶ درصد نسخ خطی عربی طب اسلامی تألیف دانشمندان ایرانی در قرن ششم و کمتر از آن تألیف شده است. ۳۱/۲ درصد بین قرن هفتم تا دهم، ۱۱ درصد در قرن یازدهم تا سیزدهم تألیف شده‌اند. ضمن این که وضعیت قرن تألیف ۲۲ منبع برابر با ۲۰/۲ درصد که توسط دانشمندان ایرانی نگارش شده است نامشخص بوده است. در بخش منابعی که توسط دانشمندان غیر ایرانی تألیف شده است، ۸ مورد برابر با ۱۶ درصد در قرن ششم و کمتر تألیف شده است. ۲۲ مورد برابر با ۴۴ درصد در قرن هفتم تا دهم و ۲ مورد برابر با ۴ درصد در قرن یازدهم تا سیزدهم تألیف شده است ضمن این که در این بخش هم ۱۸ منبع برابر با ۳۶ درصد تاریخ تألیف منبع نامشخص بوده است.

پرسش چهارم: نقش دانشمندان ایرانی در تألیف نسخ خطی عربی در موضوع‌های مختلف طب اسلامی در چه دوره‌های تاریخی بیشتر بوده است؟

جدول ۷. توزیع فراوانی نسخ خطی عربی طب اسلامی بر حسب دارا بودن تاریخ کتابت به تفکیک ملیت مولف

| تاریخ کتابت به تفکیک ملیت مولف | مولف ایرانی | مولف غیر ایرانی | نامشخص | جمع |
|--------------------------------|-------------|-----------------|------------|-------------|
| تاریخ کتابت دارد | ۶۹ (۶۳/۳٪) | ۳۳ (۶۶/۰٪) | ۹ (۳۳/۳٪) | ۱۱۱ (۵۹/۷٪) |
| تاریخ کتابت ندارد | ۴۰ (۳۶/۷٪) | ۱۷ (۳۴/۰٪) | ۱۸ (۶۶/۷٪) | ۷۵ (۴۰/۳٪) |
| جمع | ۱۰۹ (۱۰۰٪) | ۵۰ (۱۰۰٪) | ۲۷ (۱۰۰٪) | ۱۸۶ (۱۰۰٪) |

چنان که جدول ۷ نشان می دهد از مجموع ۱۰۹ منبع تألیف شده توسط دانشمندان ایرانی ۶۳/۳ درصد دارای تاریخ کتابت و ۳۶/۷ درصد فاقد تاریخ کتابت بوده است. در منابع تألیف شده توسط مولفان غیر ایرانی، ۶۶ درصد تاریخ کتابت داشته و ۳۴ درصد تاریخ کتابت نداشته است.

بحث و نتیجه گیری:

تحقیق نشان داد، از مجموع ۱۸۶ نسخه خطی عربی طب اسلامی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۰۹ منبع برابر ۵۸/۶ درصد توسط مولفان ایرانی نگارش شده و در مقابل ۵۰ منبع برابر با ۲۶/۹ درصد توسط مولفان غیر ایرانی به رشته تحریر درآمده است؛ ضمن این که وضعیت ملیت ۲۷ منبع برابر با ۱۴/۵ درصد نامشخص بوده است. این نتیجه، هم راستا با نتایج پژوهش ایمانی است که به این نتیجه رسیده که ۷۶/۸ درصد از مولفان آثار عربی موجود در کتابخانه ملی مولفان ایرانی هستند (۱۱). این مقایسه نشان دهنده این است که دانشمندان ایرانی در تولید نسخ خطی و پیشبرد علم در تمامی زمینه های علوم اسلامی در دوره تمدن اسلامی نقش بسیاری داشته اند.

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد نقش دانشمندان ایرانی در تولید نسخ خطی طب اسلامی بسیار برجسته و تعیین کننده بوده است. "به گواه معتبرترین مورخان دانش بشری مسلمانان و بویژه ایرانیان سهم چشمگیری در پیشبرد و گسترش دانش بشری داشته اند و دیدگاه ها و جریان ها و سبک های تازه ای به معرفت بشری افزوده اند" (۱۲). جهان چندین قرن از پیشرفت های بزرگی که بدست پزشکان مسلمان ایرانی

حاصل گردیده بود، بهره برد. اروپاییان با استفاده از این سرمایه در راه اعتلای دانش و فن گام نهادند و تجدید حیات پزشکی در اروپا بر پایه پزشکی دوران اسلامی بنا گردید (۱۳).

بر اساس سایر یافته های پژوهش حاضر، از مجموع ۱۰۹ منبع مطالعه شده؛ ۹۳ مورد برابر با ۸۵/۳ درصد در موضوع پزشکی نگارش شده است. ۸ مورد برابر با ۷/۹۳ درصد در رابطه با پزشکی سنتی، یونانی و رومی بوده، ۵ مورد برابر با ۴/۶ درصد در موضوع دارو سازی و و داروهای سنتی و ۳ مورد برابر با ۲/۸ درصد مربوط به سایر موضوع های پزشکی (روان پزشکی، بهداشت و مکتوبات) بوده است. با توجه به این که بیشترین درصد نسخ خطی طب اسلامی به طور کلی به موضوع پزشکی اختصاص داشته است، نتایج مربوط به درصد بالای موضوع پزشکی در تألیفات ایرانیان، یافته مورد انتظاری است.

بر اساس سایر یافته ها، ۳۷/۶ درصد از نسخ خطی عربی طب اسلامی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران که توسط دانشمندان ایرانی تألیف شده، در قرون ششم و کمتر از آن تألیف شده است. این یافته ها با سایر بررسی های انجام شده مانند پژوهش چلونگر و کثیری (۱۳۹۱) که نشان می دهد اوج پیشرفت و شکوفایی دوره تمدن اسلامی در قرن چهارم تا هفتم هجری قمری بوده است (۱۴)، همخوانی دارد. پژوهش ایمانی در مورد نسخ خطی عربی علوم اسلامی موجود در کتابخانه ملی، برخلاف پژوهش حاضر نشان داد ۲۵/۴ درصد مولفان ایرانی در قرن سیزدهم و ۲۰/۲ درصد در قرن یازدهم آثار خود را تألیف کرده اند (۱۱). بر اساس آن پژوهش، مولفان ایرانی بیشتر در قرن سیزدهم آثار علوم اسلامی خود را تألیف کرده اند. حال آن که پژوهش حاضر نشان داد بیشتر آثار طب اسلامی موجود در کتابخانه ملی که تألیف دانشمندان ایرانی است، بیشتر در قرون ششم و کمتر از آن بوده است. به نظر می رسد با گذشت قرون، تلاش دانشمندان ایرانی در سایر زمینه های علوم اسلامی افزایش پیدا کرده است.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که ۳۸/۵ درصد نسخ خطی تألیف دانشمندان ایرانی دارای کاتب و ۶۱/۵ درصد فاقد

این نکته را نباید از نظر دور داشت که برای گشودن راه به سوی فردا، نگرش به دیروز و شناخت امروز اجتناب ناپذیر است. با توجه به دگرگونی‌ها و تغییرات روزافزون فن آوری در زمینه‌های گوناگون علوم در سطح جهانی، نیاز همه گیری به ویژه بین جوانان و نسل‌های تیزبین کنونی در آگاهی از تاریخ علوم در گستره‌ی ایران فرهنگی با پیشینه‌ی چندین هزارساله، به خوبی احساس می‌شود. تاریخ علوم پزشکی کشور از این مقوله جدا نیست. آگاهی‌های همه جانبه از گذشته تاریخی و میراث فرهنگی در حوزه‌ی علوم پزشکی می‌تواند در برنامه ریزی‌های امروز مورد استفاده قرار بگیرد (۱۵). در راستای یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود، مسئولان حوزه پزشکی کشور، شناساندن تولیدات علمی دانشمندان ایرانی در طب سنتی اسلامی را وجهه همت خود قرار دهند و جامعه جوان پزشکی را به پژوهش در طب سنتی اسلامی ترغیب نمایند. چنین پژوهش‌هایی می‌تواند زمینه‌های تقویت خودباوری در جامعه پزشکی کشور را فراهم آورند و پیشینه علمی پرافتخار اسلامی - ایرانی را به عنوان شالوده محکمی برای آینده درخشان دانش پزشکی در کشور مطرح نمایند. علاوه بر آن، لازم است افتخارات علمی ایرانیان در زمینه طب سنتی اسلامی با برگزاری همایش‌های بین‌المللی هر چه بیشتر در معرض شناخت جامعه جهانی قرار بگیرد.

کاتب، و ۳۸ درصد نسخ تألیف شده توسط مولفان غیر ایرانی دارای کاتب و ۶۲ درصد فاقد کاتب بوده‌است. به نظر می‌رسد از نظر دارا بودن کاتب تفاوتی بین نسخ خطی عربی طب اسلامی تألیف دانشمندان ایرانی و غیرایرانی وجود ندارد. در بررسی تاریخ کتابت مشاهده شد که ۶۳/۳ درصد از نسخ خطی تألیف شده توسط دانشمندان ایرانی دارای تاریخ کتابت و ۳۶/۷ درصد فاقد تاریخ کتابت بوده است. در نسخ خطی تألیف شده توسط مولفان غیر ایرانی، ۶۶ درصد تاریخ کتابت داشته و ۳۴ درصد فاقد تاریخ کتابت بوده است.

توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، سهم بزرگ ایرانیان را در اعتلای طب اسلامی نشان می‌دهد. میراث علمی پرافتخار ایرانیان و نقش سازنده آن در پیشرفت علوم بشری موجب مباهات ایرانیان است و پژوهش در این زمینه روشنگر جزئیات غرورآفرینی است که در عین حال، به مسؤولیت بزرگ ایرانیان، در تداوم بخشیدن به این گذشته علمی برجسته و افتخارآفرین اشاره می‌کند. دانش پزشکی که به یک تعبیر از تقدسی ذاتی برخوردار است، در دوران‌های تاریک بشریت، از سوی دانشمندان اسلامی که بخش بزرگی از آن‌ها ایرانی بوده‌اند، رشد بی‌بدیلی یافته و آوازه دانشمندان مسلمان ایرانی را در اقصا نقاط عالم پراکنده است. البته تأثیر مکتب انسان ساز اسلام در شکوفایی توانمندی‌های علمی ایرانیان در طب اسلامی نباید نادیده گرفته شود؛ زیرا فرهنگ ایرانی در ترکیب با آموزه‌های اسلامی، توان مضاعفی یافت که این نیز منجر به پیشرفت‌های علمی برجسته ایرانیان در طب اسلامی گردید.

References:

۱. حلاوی، مصطفی محمود: جایگاه نسخ خطی در طرح احیای اسلامی (همایش نسخ خطی عربی در ایران). آینه میراث: ۱۳۸۱. سال پنجم. شماره ۲ و ۳. ص: ۴.
۲. دفاع، علی عبدالله: پزشکان برجسته در عصر تمدن اسلامی. ترجمه: علی احمدی بهنام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
۳. شریعت، محمدجواد: سهم دانشمندان ایرانی در تمدن اسلامی، یادنامه شیخ طوسی، مجلد ۳، دانشگاه فردوسی مشهد. ۱۳۵۴.
۴. نصر، سید حسین: علم و تمدن در اسلام. ترجمه: احمد آرام. انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، صص: ۱۹۰-۱۹۴، ۱۳۸۴.
۵. عزیزی، محمد: بررسی نقش دانش‌های حدیثی در فهم درست روایات طبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گرایش الهیات. دانشگاه رازی. ۱۳۸۸.
6. Azizi, M. H.: Gondishapur School of Medicine: the most important medical center in antiquity. Arch Iran Med, 2008, 11(1): 116-9.
7. Shoja, M. M., & Tubbs, R. S.: The history of anatomy in Persia. Journal of anatomy, 2007, 210(4): 359-378.
۸. نجم‌آبادی، محمود: سخنی چند درباره طب اسلامی مخصوصاً خدمات پزشکی ایران. نشریه مکتب تشیع: ۱۳۳۸ شماره ۲، صص: ۸۷-۹۳.
۹. نیرنوری، عبدالحمید: سهم ارزشمند ایران در فرهنگ جهان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ج. ۱. تهران، ۱۳۷۵.
۱۰. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: فهرست نسخه‌های خطی عربی (مجلدات ۷-۱۹).
۱۱. ایمانی، شهین: بررسی سهم دانشمندان ایرانی در تألیف متون قدیمی عربی در علوم اسلامی با استناد به ۴۰۰۰ عنوان نسخه خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی. همدان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات همدان. ۱۳۹۱.
۱۲. ولایتی، علی اکبر: پزشکی در ایران و جهان اسلام. شرکت سهامی کتابهای جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۱.
۱۳. زاهدی، فرزانه و دیگران: تولید دانش و پزشکی دوران اسلامی. مجله دیابت و متابولیسم ایران (مجله دیابت و لیپید ایران). ویژه نامه اخلاق پزشکی: ۱۳۸۶ سال هفتم، شماره پیاپی ۲۴. صص: ۸-۱.
۱۴. چلونگر، محمدعلی، کثیری، مسعود: تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران در حوزه پزشکی. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان. ۱۳۹۱.
۱۵. یزدی، اسمعیل: سیری در تاریخ دندانپزشکی ایران از گذشته تا معاصر. دفتر نخست ایران باستان و دوره اسلامی. ج. ۱. انتشارات دندانپزشکی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۸.